

## تناقض در حق نشر

• دکتر حمیدرضا جمالی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

که زمانی حامی چارلز دیکنز بود، اکنون به ابزاری در دست سازمان‌ها و کلیساها برای ساکت کردن منتقدان تبدیل شده است» (ص vii).

بند فوق که ترجمه بخشی از پیشگفتار کتاب پارادوکس حق نشر است، به خوبی بیانگر پارادوکسی است که کتاب سعی در نقد و بررسی آن دارد. مؤلف کتاب، ناتانل، استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس است و در زمینه حق نشر، حقوق، مالکیت معنوی، رسانه‌ها و ارتباطات تدریس می‌کند. وی تنش میان حق نشر و آزادی بیان را دستمایه تألیف این کتاب قرار داده است.

کتاب دارای نه فصل است. فصل اول، «مقدمه: یک پارادوکس عموماً فراموش شده»، به تشریح این پارادوکس می‌پردازد که اگرچه حق نشر در ابتدا محرک خلق آثار و حامی حقوق افراد بود، امروزه گاه همانند یک مانع در برابر آزادی بیان عمل می‌کند.

یکی از موارد تاریخی و معروف تأثیر قانون حق نشر بر جلوگیری از آزادی بیان، داستان ترجمه انگلیسی کتاب نبرد من<sup>۲</sup> اثر آدولف هیتلر است. ترجمه‌ای انگلیسی از این کتاب پیش از جنگ جهانی دوم منتشر شد که ناشر بخش‌هایی از محتوای ضدیهودی و دارای روحیه نظامی‌گری کتاب را حذف یا اصلاح کرده بود تا چهره واقعی هیتلر برای خواننده انگلیسی و آمریکایی در این کتاب مشخص نشود. اما یک سناتور آمریکایی، آلن کرانستون<sup>۳</sup>، که در آن زمان گزارشگر آمریکا در اروپا بود و به زبان آلمانی تسلط داشت، متوجه این نکته شد و تصمیم گرفت ترجمه کوتاهی منتشر کند



Netanel, Neil Weinstock, Copyright's Paradox, Oxford: Oxford University Press, 2008. 288 pp., ISBN: 9780-513762-19-0-

### مقدمه

«حق نشر (کپی‌رایت) امروز به انحای مختلف بیشتر حامی سانسور خصوصی است تا پشتیبان آزادی عمومی. حق نشر که زمانی به نویسندگان و مطبوعات کمک می‌کرد تا از وابستگی چاپلوسانه به حمایت‌های دربار و کلیسا رها شوند، اکنون به رسانه‌های غول‌پیکر این امکان را می‌دهد تا صداها، تصاویر و متونی را که زبان فرهنگ ما هستند در کنترل خود داشته باشند. حق نشر که زمانی تضمین‌کننده مشارکت افراد در اندوخته دانش ما بود، اکنون مواد آرشیوی را از دسترس مستندسازان و کتابخانه‌های دیجیتال دور می‌کند. حق نشر

معروف است که دادگاه عالی آمریکا، حق نشر را موتور آزادی بیان نامیده است، زیرا انگیزه اقتصادی مهمی برای خلق و توزیع بخش زیادی از ادبیات، هنر و موسیقی فراهم می‌آورد



تحلیل می‌کند، مؤلف در فصل ششم، «بار آزادی بیان بر حق نشر»، معتقد است که باید تا جای ممکن از محدودیتی که حق نشر برای آزادی بیان ایجاد می‌کند کاست، بدون اینکه به نقش حق نشر به‌عنوان موتور آزادی بیان لطمه‌ای وارد شود. خود مؤلف نیز اذعان داشته که این کار در عمل چندان ساده نیست، اما وی با تشریح ابعاد نقش حق نشر، به‌ویژه نقش آن در سانسور و در ممانعت از توزیع محتوا، به یافتن راه‌حل برای این مشکل کمک می‌کند.

مؤلف در فصل هفتم، «استدلال‌های متقابل بخش مالکیت خصوصی»، به نقد استدلال‌هایی می‌پردازد که طرفداران مالکیت خصوصی در حمایت از گسترش حق نشر ارائه می‌دهند. برخی از این استدلال‌ها حاکی از آن است که حق نشر به شیوه فعلی به تکرر بیان منجر می‌شود. مؤلف این تصورات را به چالش کشیده است.

فصل هشتم که به موضوع «حق نشر و اصلاحیه اول» اختصاص یافته است، به مسائل مربوط به حق نشر در اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا می‌پردازد. اصلاحیه اول، آن بخش از قانون اساسی آمریکا است که کنگره آمریکا را از تصویب قوانینی در موارد خاص منع می‌کند، از جمله تصویب قوانینی که ناقض آزادی بیان و آزادی مطبوعات باشند. مؤلف

که نمایانگر محتوای اصلی کتاب باشد. ترجمه مختصر ۳۲ صفحه‌ای کرانستون به بهای ده سنت منتشر شد و طی ده روز، نیم میلیون نسخه از آن فروش رفت. اما ناشر آمریکایی هیتلر، کرانستون را به دلیل نقض حق نشر به دادگاه کشاند و دادگاه به نفع ناشر رأی داد و توزیع این ترجمه روشنگرانه در این دوره حساس از تاریخ جهان متوقف شد.

فصل دوم، «از نبرد من تا گوگل»، این ماجرا و نمونه‌های دیگری را دستمایه قراردادها تا به تشریح بیشتر نقش حق نشر در جلوگیری از آزادی بیان بپردازد. این فصل همچنین با مثال‌هایی از عصر دیجیتال، به شرح مشکلات ناشی از حق نشر که پیش روی دو پروژه گوگل یعنی سرویس جست‌وجوی اخبار و سرویس دیجیتالی کردن کتاب‌ها قرار دارد، می‌پردازد.

فصل سوم، «آزادی بیان چیست و چه تأثیری بر حق نشر دارد»، همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، به تبیین مفاهیم بنیادین بیان و آزادی بیان پرداخته و تشریح می‌کند که آزادی بیان و قوانین حق نشر در چند نقطه درهم تنیده شده‌اند. مؤلف بیان می‌کند که آزادی بیان چیزی بیش از رهایی از سانسور حکومتی است.

در فصل چهارم موضوع «گسترش بی‌قواره حق نشر» که به‌ویژه در سال‌های اخیر شدت یافته، نقد و بررسی شده است. از جمله مفاهیمی که در این فصل به آنها پرداخته می‌شود، می‌توان به مفهوم استفاده منصفانه و اقدامات مربوط به حمایت فناورانه (به‌ویژه درباره محیط دیجیتال) اشاره کرد.

معروف است که دادگاه عالی آمریکا، حق نشر را موتور آزادی بیان نامیده است، زیرا انگیزه اقتصادی مهمی برای خلق و توزیع بخش زیادی از ادبیات، هنر و موسیقی فراهم می‌آورد. فصل پنجم این عبارت معروف را به چالش کشیده و به بحث درباره این سؤال می‌پردازد که «آیا حق نشر موتور آزادی بیان است؟»

با علم به اینکه حق نشر بار زیادی بر دوش آزادی بیان

## حق نشر (کپی‌رایت) امروز به انحای مختلف بیشتر حامی سانسور خصوصی است تا پشتیبان آزادی عمومی

متغیر محیط دیجیتال، قوانین مربوط به این حوزه نیز روبه‌روز در حال تغییر و تکامل هستند و آنچه در این باره در کتاب ارائه شده فقط تا آوریل ۲۰۰۷ را پوشش می‌دهد.

کتاب دارای نکات مثبت فراوانی است. استفاده از مثال‌های متعدد تاریخی در تشریح پارادوکس حق نشر یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب است. مؤلف تنها به موارد تاریخی بسنده نکرده و تنش میان حق نشر و آزادی بیان در محیط دیجیتال را نیز با مثال‌هایی از سال‌های اخیر تشریح کرده است. پشتوانه حقوقی مؤلف و اینکه به‌زعم وی، کتاب حاصل ده سال تخصص و مطالعه وی است، این اثر را به کتاب بسیار سودمندی تبدیل کرده است. رساله دکتری حقوق وی نیز درباره حق نشر بوده است.

از دیگر نکات مثبت کتاب این است که مؤلف فقط به طرح مسئله بسنده نکرده و به ارائه راه‌حل نیز (در فصل پایانی) می‌پردازد. کتاب دارای پانویس‌های متعدد و نمایه مفصل است که بر ارزش آن می‌افزایند.

به‌طور خلاصه، کتاب پارادوکس حق نشر، اثری ارزشمند است که از نگاه یک حقوقدان متخصص نوشته شده است. اکثر نقدهایی که تاکنون درباره کتاب نوشته شده‌اند (برای نمونه بنگرید به: مک‌گوان، ۲۰۰۸) نیز آن را ستایش و کتابی بسیار عالمانه و سودمند معرفی کرده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها:

1. h.jamali@gmail.com
2. Main Kampf
3. Alan Cranston
4. McGowan

### مآخذ:

- 1- McGowan, D. (2008), Paradoxically Speaking, [online] available at <http://ssrn.com/abstract=1266835>



در این فصل بر این باور است که قانون حق نشر نشان‌دهنده نگرانی‌های مطرح در اصلاحیه اول است و دادگاه‌ها باید هر جا که لازم است از اصلاحیه اول استفاده کرده و برای حمایت از آزادی بیان به دارندگان حق نشر امتیاز ویژه اعطا کنند.

مؤلف در فصل نهم و پایانی کتاب، «بازسازی حق نشر در تصویر اصلاحیه اول»، به ارائه راه‌حل‌ها و راه‌های جایگزین برای به‌حداقل‌رساندن تأثیر منفی حق نشر بر آزادی بیان می‌پردازد تا به نقطه تعادلی میان انحصار مالکیت خصوصی و هرج و مرج جهان دیجیتالی دست یابد. راه‌حل‌های ارائه‌شده در این فصل عموماً به سمت محدودکردن حق مالکیت خصوصی صاحبان حق نشر گرایش دارد.

از ویژگی‌های منفی کتاب که خود مؤلف نیز در پیشگفتار به آنها اذعان نموده، یکی محدودبودن کتاب صرفاً به قوانین ایالات متحده آمریکا است، در حالی که این پارادوکس در دیگر کشورها نیز وجود دارد. مورد دوم این است که به‌دلیل ماهیت